الفبای زبان نورستانی

به کوشش : سمیع الله تازه

این رساله به کمك اقتصادی محترم انجنیر محمد عیسی «وحدت» به چاپ رسیده است. باین وسیله از همکاری فرهنگ دوستانه شان ابراز سپاس میکنم.

(تازه)

نام رساله : الفبای زبان نورستانی

به کوشش : سمیع الله "تازه"

کمپـوزر : حمیدالله "جلیلی"

تیـــراژ : (۱۰۰۰) جلد

تاریخ چاپ : سنبله ۱۳۷٤

بسم الله الرحمن الرحیم

یک دوسخن

تاریخ و قدامت زبان نورستانی به قول محققین، به عصرزایش ویدا و اوستا و حتی به زمان قبل تراز آن یعنی دوره، اند و اریایی بر میگردد، و به این حساب کهنترین زبان این خطه محسوب میشود که باگذشت چند هزار سال، بازهم با ویژه گیهای قدیمی خود زنده است. اهمیت این زبان نه صرف از نگاه کهنسال بودن آن است، بلکه توام با کلتور پارینه یی است که در پیوند با همدیگر تمدن چندین هزار ساله آریایی کشور را به ما باز می شناساند.

ازین زبان کهن که روزگاری رسم الخطی داشته است، بنابر عواملی که در بخش اول این رساله از آنها مختصراً ذکر رفته است، کدام اثر کتبی بجانمانده و حتی رسم الخط آن نیز از میان رفته است. در نتیجه آثار و سروده های فراوان فرهنگی وادبی کهن زمان ما،قبل از آنکه ثبت گردد از میان رفته است.

در بیست سی سال اخیر، برخی از نویسنده گان و محققین برای ثبت و نوشتن سروده ها و متون ادبی نورستانی از الفبا های مختلف چه به شیوه حروف عربی و چه به شیوه حروف لاتین استفاده نموده اند که این امر در عوض تعمیم یك روش خاص، سبب تیت و پرکی و پراگنده گی در روش نوشتاری گردید.

در سالهای اخیر دهه شصت، اکادمی علوم افغانستان به سلسله طرح الفبا ها به آنعده از زبانهای محلی کشور که فاقد الفبای رسمی و اکادمیك بودند، برای زبان نورستانی نیز الفبای را با اصول و معیارهای علمی طرح و تصویب نمود برای طرح این الفبا، استادان زبان و ادبیات اکادمی علوم افغانستان، پروفیسر گریونبرگ زبانشناس اتحادشوروی سابق، کارکنان دیپارتمنت زبان وادبیات نورستانی در اکادمی علوم و فرهنگیان نورستانی کار نمودند. این الفبا که بر اساس اصول و موازین علمی و زبانشناسی طرح شده است،کار برد آن دارای سهولت های زیاد در بخش الفبای حروف عربی ولاتین میباشد.درنتیجه کار برد و استعمال است که کمبودیها و کاستی ها بر ملا شده و در مرحله بعدی بر طرف و الفبا بهتر و متکاملتر خواهد گردید.

در هنگام طرح این الفبا، محدودیتهای تخنیکی مطبعه دولتی بحیث یگانه منبع چاپ و انتشار و پرابلم طرح ریزی حروف جدید در آن مطبعه، نیز مطمح نظر بود. زیرا در آن هنگام در مطابع دولتی دو سیستم چاپ، لینوتایپ و مونو تایپ موجود بود که نمیتوانست برای تمثیل چند حرف بخصوص زبان نورستانی، سمبول جدیدی بریزند. لذا طراحان الفبا ناچار بودند برای نمایش آن چند حرف بخصوص، بازهم دست به دامان حروف مروج عربی برده و برای تمثیل یك صوت،دو حرف را ترکیب دهند مانند:(تچی) و (ژ).

اما اکنون با وارد شدن کمپیوتر و انکشاف سیستم تخنیکی چاپ، امکانات بیشتر و بهتر در اختیار قرار گرفته و زبانشناسان میتوانند در آینده ازین امکانات برای رشد و تکامل الفبای زبان نورستانی با دست آزاد استفاده نمایند.

چون رساله الفبای زبان نورستانی جهت عام نمودن آن در بین مردم از طرف اکادمی علوم افغانستان چاپ شده بود، اما تا جای که دیده شد تعداد لازم آن بعد از چاپ توزیع نگردیده و بدسترس علاقمندان و ضرورتمندان قرار نگرفته و مطمیناً طعمه آتش جنگ برادر کشی شده است. لذا جهت تعمیم و دسترسی افراد بیشتر به الفبا، تصمیم گرفتم تا با افزایش پیوست بخش اول مجموعهء الفبای زبان نورستانی رابا وارد نمودن تغییرات اندك در متن آن، دوباره به چاپ رسانیده، در اختیار علاقمندان آن بگذارم تا همان هدف فرهنگی اولی بر آورده شده باشد.

دراخیر به در گاه خداوند بزرگ دعا میکنم که نورستانیان ما را قادر گرداند تا این الفبا را ترویج نموده و با استفاده از آن،غنای ادبی، فرهنگی و تاریخی باقیماندهٔ خویش را ثبت نموده،ماندگار سازند.

ومن الله التوفیق

سمیع الله تازه

۱۵ ثور ۱۳۷٤

بخش اول

پیشینهء تاریخی خط و نوشت درمیان نورستانیها

نورستانیها فرزندان قبیله الینای[۱] آریایی اند که در هنگام کوچ بزرگ از بخدی به سوی جنوب هندوکش روی آورده، در وادی و دره های جنوبی هندوکش سکونت اختیار نموده، در آنجا سالهای زیاد با فرهنگ و سنن آریایی در کنار سایر قبایل آریایی بسر برده اند.

اگر به کتب و اسناد تاریخی مراجعه کنیم، می بینیم که در زمان حکومات یونانو باختر، نورستان قدیم به حیث جزء کشور پاراپامیزاد و در قرون میانه بحیث کشور بلورستان، در شمال گنداهارا Gandahara موجودیت اساسی و عملی داشته و در جنوب با گنداهارا همسرحد بوده است. به قول تعدادی از مورخین، به همین دلیل است که اسمای کامه، گوشته، راجگل و غیره اسمای قدیمی مناطق حوالی جلال آباد، ریشهء نورستانی دارند.[۲] در آن هنگام سرحدات کشور بلورستان در شرق به انتهای شرقی کشمیر و در غرب به مناطق غرب کابل میرسد. [۳]

در رابطه به خط و نوشت در آریانای قدیم مرحوم احمد علی کهزاد طرز نگارش آرامی را اساس رسم الخط در آریانا دانسته است که از آن خروشتی، پهلوی، ساسانی به میان آمده اند. [٤]

استاد عبدالحی حبیبی در رابطه به رسم الخط خروشتی نوشته است : خروشتی نام رسم الخط است نه زبان، که در نتیجه وارد آوردن تغییرات به

رسم الخط ارامی به میان آمده است. این رسم الخط که مانند ارامی از راست به چپ نوشته می شده در افغانستان شرقی مدت هشت قرن ادامه داشته کتیبه های سانسکریت و پراکریت بدان نوشته شده و در مسکوکات شاهان موریا و یونانو- باختر و کوشانیان هم به نظر میرسد. چون پیدایشگاه این زبان سرزمین آریانا (افغانستان قدیم) است، کتیبه های متعدد آن از ختن تا افغانستان و هند شمالی بدست آمده است. (۵)

کتبه های خروشتی اکثراً به زبانهای گنداهاری اند که مادر هندی میانه Prakret و لهجه شمال غرب و زبانهای دارد یك Dardic کنــونی میباشد، که زبان نورستانی جزء آن است. (٦)

تحقیقات نشان داده است که خط خروشتی بیشتر در جنوب شرق اریانا یا افغانستان معمول،اما مرکز نشو و نما و انبساط آن گنداهارا بوده است. این رسم الخط در قرن ۳ ق م ظهور و تا قرن ٤ یا ٥ مسیحی دوام نموده است.

د متریوس پادشاه یونانو باختر در یکطرف مسکوکات، رسم الخط و زبان یونانی و در طرف دیگر یکی از لهجات پراکریت معموله در جنوب هندوکش را با رسم الخط خروشتی رسمیت داده است. چون نفوذ دولت یونانو باختری بار اول توسط (ایوتیدم) در جنوب هندوکش و در تمام آریانا استحکام یافت لذا به خروشتی بحیث رسم الخط و پراکریت بحیث زبان محلی ضرورت احساس کرد که بعد ها از طرف دیگران تعقیب گردید. (۷)

زبان و رسم الخط خروشتی در مسکوکات و چه در کتیبه های اوقاف یکی از پراکریت های است که محققین آنرا معمولاً (پراکریت شمال غربی) نامیده اند که شاید در گنداهارا و دره های کابل بیشتر معمول بوده باشد.

اسنادتاریخی نشان میدهند که بدون شك خروشتی در تمام افغانستان و یا در یك بخش وسیع آن معمول بوده و یا اینکه بحیث زبان متعارف و دفتری و رسمی علاوه از لهجه و پراکریت های دیگر، همه جا فهمیده می شد. (۸)

رسم الخط خروشتی بصورت عمومی به طرف شرق تا پنجاب (جهلم)، به طرف غرب تأسیستان و قندهار، به طرف شمال تا بلخ و ختن و جنوب تا موهن جودیرو گسترش داشت، که عمدتاً منطقه تحت تسلط و مروج آن همین دره های جنوب هندوکش بوده است. (۹)

در روشنی توضیحات فوق، سرزمین نورستان قدیم که سرحد جنوبی آن تا شمال گنداهارا و یا به صورت دقیق تر به روایت بعضی اسناد تاریخی، تا دنپور جلال آباد میرسید، واضحاً در ساحه نفوذ رسم الخط خروشتی قرار داشته است. از طرف دیگر طوریکه گفته شد رسم الخط خروشتی مادر زبان داردی نیز است که زبانشناسان زبان نورستان را شاخهء بزرگ و کهن داردی میدانند، اما اینکه چرا اثرکتبی از زبان نورستانی بجا نمانده و حتی الفبای آن نیز از میان رفته است، مربوط به واقعاتی می شود که باید در روشنی حقایق و واقعات تلخ تاریخی به آن پاسخ گفت.

بعد از سقوط مرکز کابل شاهان در کاپیسا توسط مهاجمین عرب در سال (۱۷٦ هـ مطابق ۷۹۳ م)، احتمالاً روابط آن مرکز با آن بخش از سرزمین پاراپامیزاد که در جنوب هندوکش قرار داشت، از هم گسیخت. در زمانهای بعد، با نفوذ تدریجی دین مبین اسلام در جنوب به خصوص در ساحات شمالی گنداهارا، کشور بلورستان بخصوص سرحدات جنوبی آن، که غالباً نورستانی ها در آنجا مسکون بودند، تحت حملات قرار گرفت. در طول سالهای جنگ و مبارزه، برخی از مردم نورستان قدیم به اسلام گرویده در

جاهای خویش به زنده گی ادامه دادند، اما تعداد بزرگتر آنها با دین مبین اسلام و مسلمانان به مقابله و مجادله پرداخته، در اثر فشارهای دوامدار مخالفین شان مناطق خویشرا بصورت جمعی اما تدریجی ترک گفته، عقب نشینی نمودند.

جنگهای دوامدار توام با تعصبات شدید مذهبی، به نورستانیها موقع نداد تا آنها بتوانند در مناطق دیگری از وادی کنر، سکوت اختیار نمایند، لذا به ناچار در طول زمان، مناطق خود را یکی بعد از دیگری به صورت تدریجی ترک گفته به دره های تنگ و سنگلاخی امروزی* عقب رفته، توانستند با استفاده از موقعیت طبیعی مناطق جدید و با وسایل و سلاح ساده، از خود بهتر دفاع نمایند.

موقعیت و وضع جغرافیایی مناطق جدید سبب شد تا نورستانیها در مقابل دشمنان شان سالهای طولانی ایستادگی نموده، کلتور ودین آریایی شان را تا قرن نزده زنده نگهداشته و به این ترتیب یك تمدن ساده ولی کهن را به قرن بیستم به ارمغان آورند. اگر در دره کنر دیده شود امروز هم اکثر نامهای محلات و مناطق این دره بشمول اسم کنر که کونړ (کونړ) Kōnř بوده است، ریشه نورستانی دارند. همچنان مردم این دره نیز حکایات روایات مختلف و زیاد از آن دارند که مناطق شان قبلاً مربوط به کافرها یعنی نورستانی ها بوده است.

اگر ما طول مدت زمانی حملات مسلمانان بر مناطق و مردم نورستان قدیم را محاسبه کنیم، تقریباً به هزارودوصد سال میرسد که مدت واقعاً طولانی میباشد. درین مدت مردم نورستان قدیم بصورت دوامدار در یك محاصره شدیداً متعصب مذهبی قرار گرفته و همه با هراس از نابودی حتمی

توسط دشمنان شان، ناگزیر شدند با تمام قوا و وسایل ساده و ابتدایی دست داشتهٔ شان تا پای جان با از خودگذری تمام از خود به دفاع به پردازند.

مردم نورستان قدیم در مدت بیش از هزار سال محاصره و مقاطعه کامل و جنگ متعصبانه مذهبی،کاملاً مصروف جنگ و مجبور به دفاع از خود شده در نتیجه تمام امکانات انکشاف و رشد اقتصادی و اجتماعی خود را از دست دادند. آنها صرف آن بخش از کلتور خویش را به گزینش گرفتند که در مجادله و مقابله با دشمنان سخت گیر شان، مورال و احساسات رزمی و ملی شان را بلند نگهمیداشت.

یکی از اثرات ناگوار این محاصره طولانی اینست که زن نورستانی مجبور گشت از یکطرف برای شوهر و فرزند و برادرش، که سال تمام در جبهه مقاومت قرار داشتند، اذوقه تهیه و اکمال نماید و ازطرف دیگر برای متحرک نگهداشتن چرخ حیات و اقتصاد فامیلی، در بخش زراعت دست به کار شود. کاری را که زن نورستانی بر اساس مجبوریت و ضرورت زمان آغاز نموده بود ،با طول کشیدن جنگ به بیش از هزار سال، بوظیفه و مسوولیت اش مبدل گشت.

درین مدت مردم نورستان مجبور شدند به سان قرون اولی ویا به قول هیوان تسانگ سیاح چینایی، مانند مردم سایر مناطق افغانستان در اوایل قرن هفت مسیحی، از پوست حیوانات بحیث البسه استفاده کنند. این عقب گردی در اثر جبر شرایط و دشواری های زاده آن، برای ما و برای کسانیکه میدانند،ما یه عیب و تعجب نبوده بلکه عواقب مشهود مخاصمت بیرحمانهٔ صدها قرنه مردم ساکن اطراف نورستان قبل از اسلام، میباشد،از طرفی نیز درجه و شدت مقاومت و پایداری مردم نورستان را در برابر مهاجمین

سخت گیرشان نشان میدهد.

آنهای که امروز به اصطلاح به ریش ما می خندند، باید بدانند که این رنج های عقب مانی از عدم ذوق و یا از بیکاره گی مردم ما نه، بلکه ثمره درد آورهمان اظلام و بیدادگری های هزار و اند ساله است که مردم نورستان نسل اندر نسل دیده، و عواقب دُردناك آنرا هنوز هم چه به صورت عملی وچه به صورت ذهنی بدوش می کشند. امروزهم به روشنی دیده می شود که اندکترین حرکت بخاطر بهبودی اقتصادی و اجتماعی شان به اشکال مختلف و تحت عناوین مختلف مهر خورده و اگاهانه سد ساخته میشود.

تاریخ مردم نورستان حرفهای زیادی، برای گفتن دارد، که پر از درد و رنج است. همانگونه که کلتور و زبان باستانی شان بحیث فرهنگ یك اقلیت و نو مسلمان شده، دهها سال در تضیق قرار داشته است، برای بیان واقعیت های تلخ تاریخی نیز جای نبوده و امروز هم چار چوب عقیده سبب میشود تا لب را از لب نگشوده ناگفته ها را ناگفته گذاشت.

خلاصه در اثر مقاطعه ومحاصره وجنگ، زنده گی تا آنجا بر مردم سخت و دشوار گردید که آنها نا چار شدند صرف آن بخش از داشته های مادی و معنوی حیات خود را برگزینند که برای شان یا بسیار پر ارزش و یا بسیار ضروری بوده است.

به اینترتیب خط و نوشت که یقیناً همان طرز خروشتی بوده است در نتیجه فشار های دوامدار و جنگهای طولانی و محدود بودن امکانات و شرایط داخلی و محلی، از میان رفته است. اما اگر هنر کند نگاری نورستانی را به دقت مطالعه کنیم، همه خطوط و نقوش بکار رفته در آن دارای مفاهیم و معانی بوده و همه وقایع وارزش های اجتماعی نورستان

قدیم را بیان میدارد. بناءً عده‌ء از دانشمندان ابراز عقیده کرده اند که این هنر یك روش و شیوه ساده نه، بلکه کاملاً علمی میباشد.

با توجه به توضیحات دلایل تاریخی فوق، برداشت و تصور بنده اینست که نورستانی های قبل از اسلام در اثر محاصره و جنگ شدیداً بیرحمانه و متعصب مانند بسا ارزشهای دیگر، رسم الخط نوشتاری را نیز از دست داده اند اما برای بیان مفاهیم، واقعات و ارزش های اجتماعی، شیوه هنری را بکار گرفته اند که میتوانست بر علاوه بیان مفاهیم، بیانگر جاه و جلال، حماسه افرینی جنگجویان و رزم آوران و موقعیت اجتماعی افراد و اشخاص نخبه اجتماع نیز باشد. اگر به وسعت مفاهیم خطوط و نقوش کند نگاری نورستانی دقت شود،بدون شك میتوان آنرا شکل تغیر یافتهٔ الفبا و طرز بیان تلقی کرد. علاوتاً موجودیت لغات برای عمل نوشتن و خواندن خود دال بر این است که نورستانیها در گذشته خط و نوشت داشته اند و در اثر جبر و محدودیت شرایط آنرا از دست داده، در عوض سمبول های ساده را که جمعاً کلتور غنی اما ساده را می سازند، برای بیان واقعات و ارزشها از خود بیادگار گذاشتند.

مأخذ :

١- دیده شود : کهزاد ، احمد علی. تاریخ افغانستان. جلد اول ص ص ۸۷، ۸۹، ۹۵.

دیده شود : تازه، سمیع الله. ریشه های تاریخی فرهنگی نورستان کابل ۱۳۶۷ ص ۲۵.

۲- دیده شود : محمد حیات خان. حیات افغانی، گستنر کابل ۱۳۶۲.

۳- دیده شود : تازه، سمیع الله. ریشه های تاریخی و فرهنگی نورستان. ص ۵۸.

٤- دیده شود : کهزاد، احمد علی. افغانستان در پرتو تاریخ. کابل ١٣٤٦ ص ١٤٥.

٥- دیده شود : حبیبی، عبدالحی. تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان. ص ٢١.

٦- دیده شود : تازه، سمیع الله. ادبیات شفاهی نورستان. پشاور. ص ١٣ و ص ٢٤٨

٧- دیده شود : کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل ١٣٣٠

٨- دیده شود : کهزاد، تاریخ ادبیات افغانستان. کابل ١٣٣٠ ص ٣٠

٩- دیده شود : کهزاد، تاریخ افغانستان ج ٢. کابل ١٣٢٥ ص ٣٠٠

شناخت زبان نورستانی

ریشه و اساس زبان نورستانی، مانند نژاد نورستانیها، پارینه و دیرینه بوده و به آنجا برمی گردد، که آریایی ها هنوز در خانه مشترک خویش در آریانا و یجه Aryana Veju بسر می بردند. اگر ریشه این زبان را در گذشته های دور جستجو کنیم می یابیم که آن شاخهء آریایی ها که از جایگاه اولی خود در حوزه علیای دریای آمو و اراضی اطراف آن جدا شده به جنوب یعنی به باختر آمد ، گروپ آریایی باختری را تشکیل داد که زبان شانرا محققین بنام (آریا) یا هندو- ایرانی (۱) و یا باختری یاد کرده اند که در آریاناویجه زنده گی میکردند.

این زنده گی مشترک عامل ایجاد زبان آریایی شده که از آن بالنوبه زبانهای هندی مشترک و ایرانی مشترک بمیان آمده و قدیمترین شاخه متقابله آنها ، سانسکریت ویدی، و زبان اوستایی میباشند که هر یك مبدای السنه هندی و ایرانی شناخته شده و از خود یك سلسله لهجه های ضمنی و فرعی دیگری دارند که هر کدام این لهجه ها،زبان واحد اند که بعد از انشعاب از اصل مشترك، بصورت مستقل انکشاف یافته اند.

حقایق مختلف واضح می سازد که گوینده گان زبانهای هندی و ایرانی هر دو، زبانهای همدیگر را بنام مشترك، (آریا) میخواندند و به همین سبب زبان مشترك شان را (آریایی) نامیده اند. (۲)

طبق شواهد تاریخی، زبانهای هندی و ایرانی در افغانستان زاده و انکشاف نموده و قبل از کوچیدن به شرق یعنی هند و غرب یعنی فارس،

مراحل اولیه ادبی خود را در اطراف هندوکش گذرانیده اند و ازین سبب است که لهجه های فرعی هردو خانواده تا امروز در کوهپایه های افغانستان موجود میباشند.

زبانهای که در جنوب هندوکش شرقی و مناطق شمال غرب هند قدیم موجود امند، در مطالعات زبانشناسی بنام داردیك Dardic یاد شده اند، که ممیزات هر دو خانواده، هندی و ایرانی را دارا میباشند.(۳)

اصطلاح داردیك بطور عام به دو گروپ از زبانهای مربوط به خانواده، هند و ایرانی اطلاق میشود که مردم نورستان در ساحه، شمال شرق افغانستان، باشنده گان مناطق شمالی پاکستان ومردم مناطق شمال غربی ترین ساحه هند، با آنها تکم می کنند.

کلـمه داردی از نگاه Ethno Languastic به ساحه کشمیر تا دره های نورستان و تا حوزه دریای کابل بر تمام آن اقوام و قبایل اطلاق میشود که در دره های سفلای پامیر زنده گی می کنند.

در رابطه به قدامت تاریخی و شکل ساختاری زبان نورستانی، زبانشناسان متعدد مطالعات را انجام داده اند که همه آنها در شناخت تاریخی و معرفی زبان نوربستانی حایز اهمیت فراوان بوده و درینجا بصورت فشرده آنها را به مطالعه میگیرم.

جورج مورگنسترن Georg Morgenster n زبان شناس ناروی زبانهای داردیك Dardic را به دو گروپ کافری (نورستانی) و داردیك صاف تقسیم کرده میگوید : بعضی عوامل زبانهای داردیك شبیه به زباهای ایرانی و بعضی دیگر آن شبیه هند و آریایی میباشند.

بعضی از دانشمندان، زبانهای گروپ دارد یك منجمله زبان نورستانی را

از شمار زبانهای آریایی میــدانند که بصورت آزاد از هــند و آریایی Indo-Aryan مشتق شده و عده، دیگر به این باور اند که زبانهای این گروپ اصلاً هند و آریایی بوده اما دسته آریایی در آن اثر انداخته است که در میان ایرانی و هند و آریایی انبساط یافته است. (٤)

س. کونو S. konow نوشته است : زبانهای داردیك بخصوص گروپ نورستانی و مشخصاً در آنهای که ایزوگلاس های هندی مشاهده میشود ، از لهجه، ایرانی منشا گرفته است. اما گریرسن Grirson که همه آنها را تحت عنوان داردیك جمع می کند، میگوید : بهتر است زبان داردیك را که از شاخه های آرین اســت، از هند و ایرانی جــدا، شاخه مستقل و سوم بدانیم. (٥)

عده، از زبانشنا سان باین عقیده اند که گروپ زبانهای داردیك مجزا از هندی باختري و ایرانی نبوده بلکه در میان این دو زبان، گروپ سوم و حیثیت حلقه وصل را ارائه می کند که ازیکطرف با گروپ زبانهای آریایی غربی در تماس است که نزدیك باین گروپ زبان نورستانی موقعیت دارد ، از طرف دیگر با زبانهای هندی قرابت دارد.

گریرسن Grirson زبان نورستانی را (پیساکا) نامیده و علت آن شباهت های زیاد به یکی از پراکریت های است،که در کتب صرف و نحو هندی بنام (پیساکا) خوانده شده است.

بنونیست درین باب عقیده دارد که همه لهجه های زبان نورستانی از خانواده زبانهای هندو اروپایی بوده و اگر دقیق تر گفته شود هند و ایرانی هستند. این لهجه ها دارای خصوصیاتی اند که در عین حال بهردو خانواده، زبانهای فوق الذکر شبیه میباشند. این امر ما را وادار می سازد تا اینگونه

فکر کنیم که لهجه های زبان نورستانی را اولین توده های مردم هندو ایرانی در زمانی که هنوز میان دو زبان (ویدی و اوستا) اختلافی بروز نه نموده بود به اینجا آورده اند.

لذا لهجه های مردم نورستان، از یادگار های قدیم زبان هندو و ایرانی بوده و به علت دور افتاده گی آن از سایر نقاط، سچه و دست ناخورده باقی مانده، و تغیری در آن وارد نشده است. (٦)

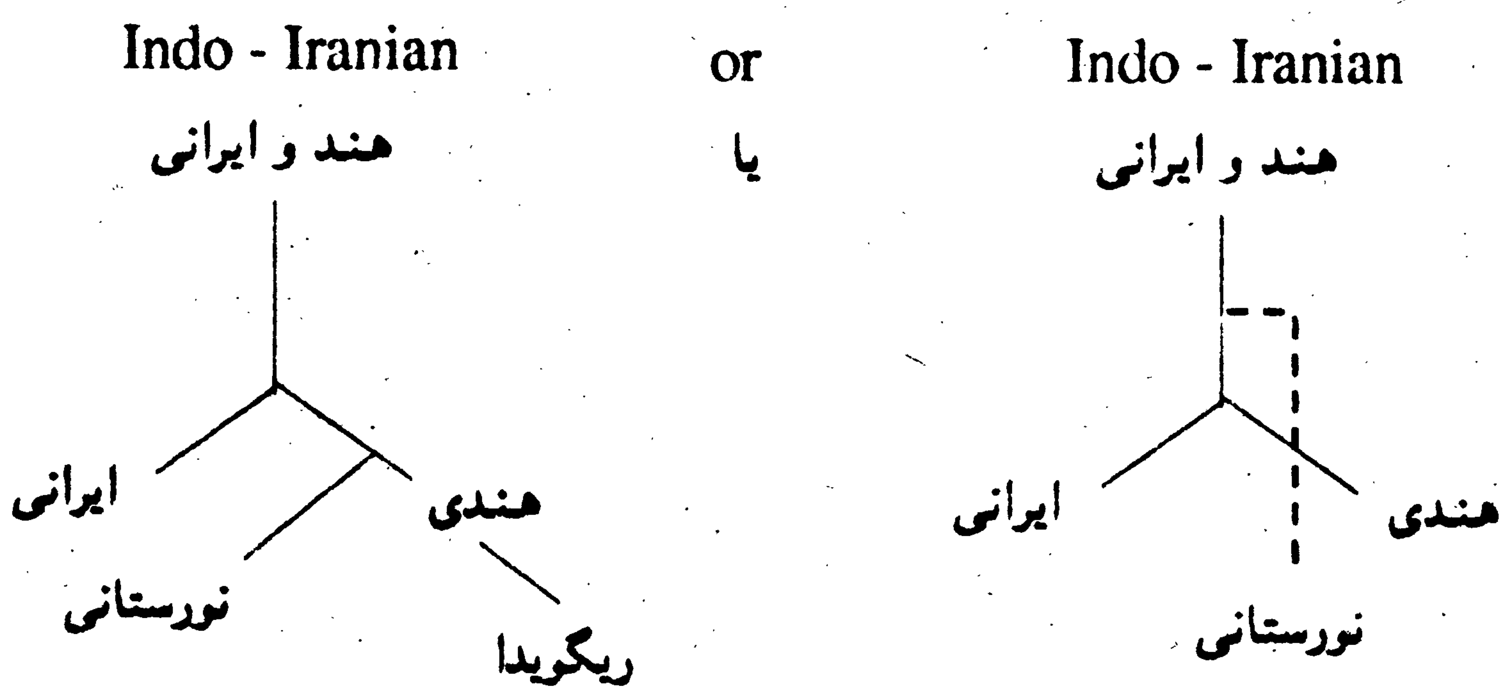
کوهن Kuhen و گریرسن که در لهجه های زبان نورستانی تحقیق کرده اند مینویسند : قبایل نورستانی یکی از شاخه های قدیم نژاد آرین بوده و زبان شان هنگامی مورد مکالمه بود که شاخه هندی از اصل آرین جدا ولی هنوز شاخه ایرانی از آن جدا نشده بود.

ستین اکانا در باره لهجه های زبان نورستانی نوشته است : زبانهای داردی بخصوص گروپ نورستانی با زبانهای آریایی (باختر و آریایی) نزدیکی نسبی دارد. وی علاوه میکند : ریشه زبانهای داردی با گروپ باختری و ایرانی به عصری بر می گردد که شاخه زبان هندی از اصل آریایی (باختری و ایرانی) جدا شده بود.

مورگنسترن معتقد بود که اوضاع و احوال زبانهای گروپ داردیك متفاوت بوده اما زبان داردی غربی یعنی نورستانی وضع مشخص بخود را دارا بوده و قرابت لهجه های نورستانی نسبت به باختری و ایرانی، به زبانهای هندی بیشتر میباشد.

مورگنسترن در جای دیگر نوشته است : در نورستان یك دسته زبانهای (لهجه های) یافت میشود که ترکیبات و اجزای آن نه مستقل هندی اند و نه ایرانی، بلکه یك عنصر سوم را ارایه میدهند، که اساسات شاخه مستقل

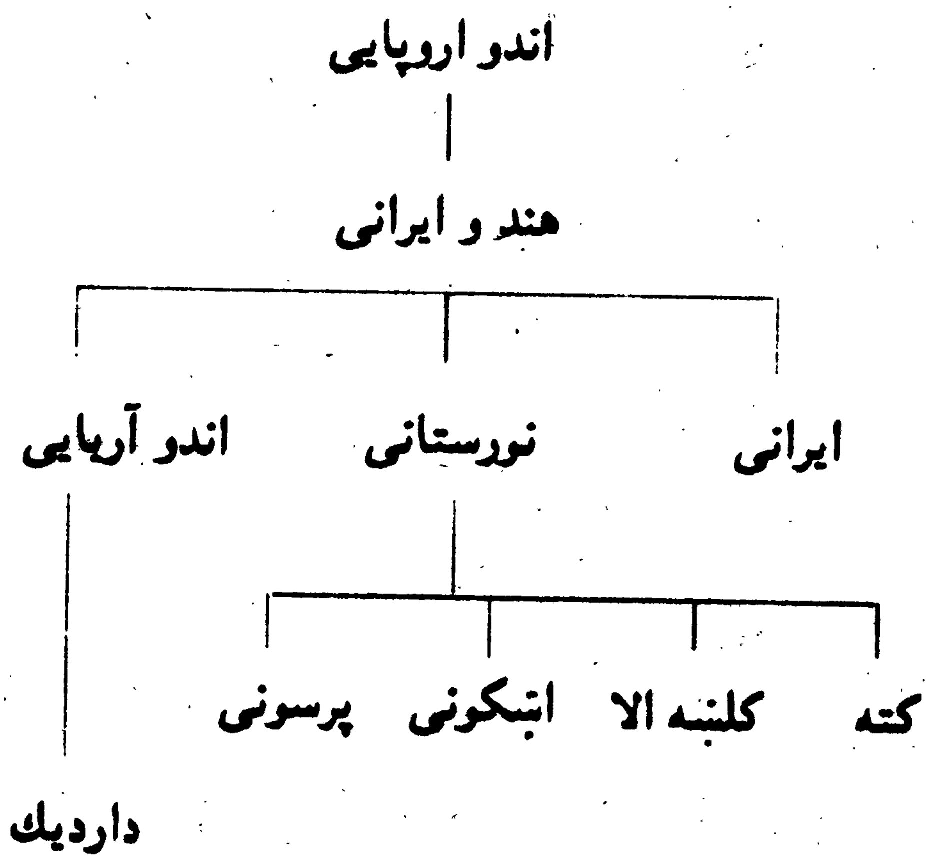
هند و ایرانی میباشد و من (مورگنسترن) نام آنرا مطابق عنعنات و روایات تاریخی آن (کافری) میگذار م.این زبان ها از اکثر جهات بیشتر با زبانهای هندو آریایی ارتباط نزدیك دارند.نه با ایرانی. استنباط میشود که زبان نورستانی قبل از قدیم ترین متون و یدی (ریگویدا Rigveda) (غالباً آوان دو هزار سال قبل از میلاد) از زبانهای هندو آریایی جدا شده باشد. چون زبان نورستانی از چندین هزار سال به اینطرف بازبانهای خاص هندو آریایی تماس قریبی داشته است، امر طبیعی است که با عناصر مبدای مذکور بسیار اندوده باشد.



مورگنسترن در ادامه نوشته است : زبان نورستانی غالباً از زبان اولین حمله آوران آریایی اشتقاق شده است،که این مردم قبل از دیگران درین وطن جابجا شده و پیشقراولان بودند. بعد از آنها قبایل متاخرتر هندی به اطراف افغانستان منتشر و به سوی هندوستان سرازیر شدند. این تازه واردین که از نگاه کمیت تعداد شان بیشتر و از نگاه کیفیت قوی تر بودند، اجداد نورستانی های قدیمی را به وادي های دور دست راندند. (۷)

مورگنسترن در سالهای اخیر حیات خویش، مطالعات خود را در رابطه

به زبانهای (لهجه های) نورستانی جمعبندی نموده، نوشته است : زبانهای کافری (لهجه های زبان نورستانی) شاخهء مستقل هند و ایرانی هستند که نه به هندی متعلق اند و نه به ایرانی. متباقی زبانهای بخصوص داردیک شاخه یی از گروپ اند و آریایی به حساب میروند.

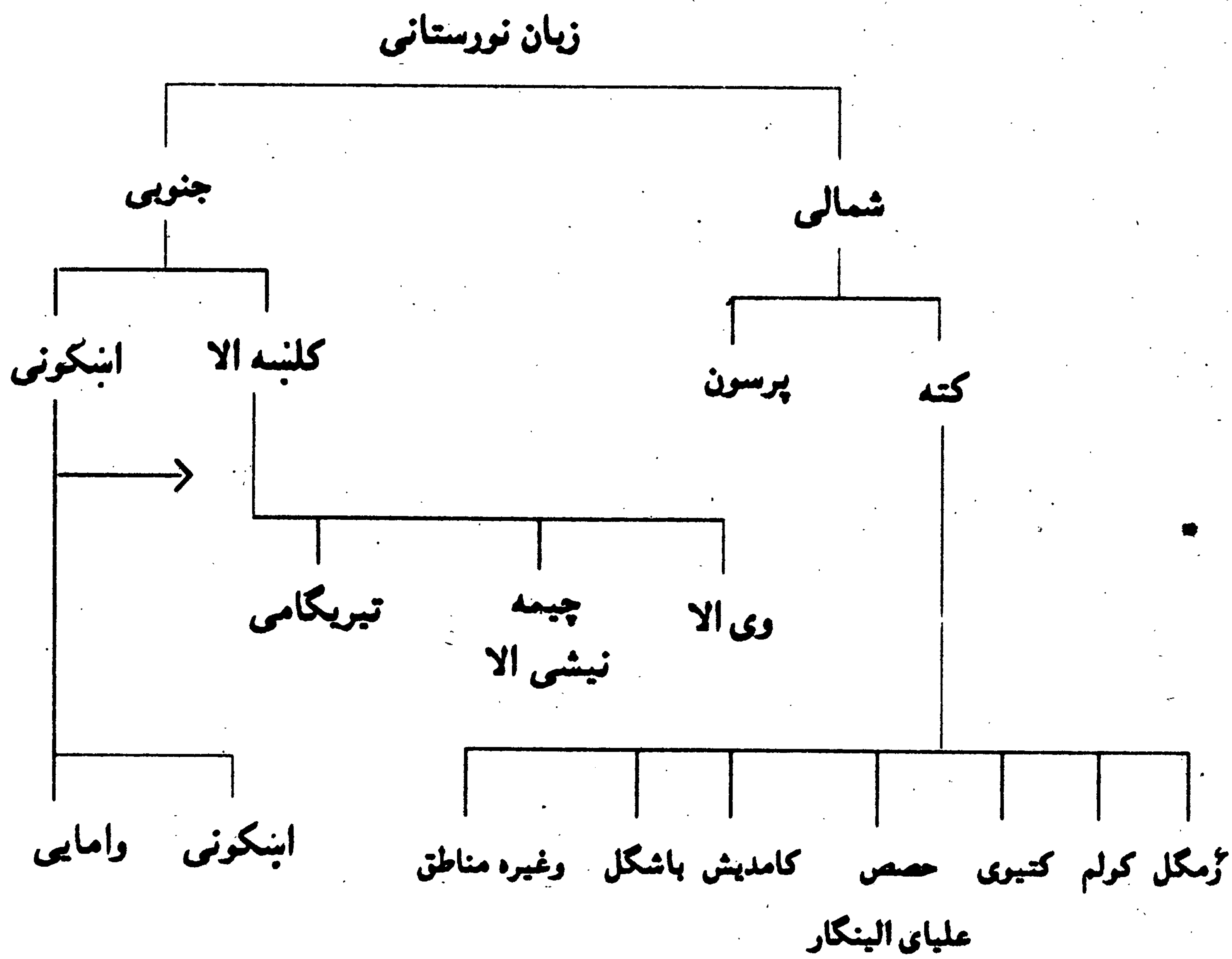


مشخصات زبانهای داردی و نورستانی از هم مجزا نبوده و با زبانهای دیگر اندو آریایی و ایرانی خصوصیات مشترك بیشمار دارند. بناءً میتوان بصورت عنعنوی آنها را در زیر عنوان داریك قرار داده مطالعه کرد.

باین ترتیب زبانهای داردیك به شرقی، مرکزی و غربی منقسیم میباشد که زبان نورستانی (شامل تمام لهجه ها) بخش غربی داردیك را تشکیل میدهد.(۸)

زبان نورستانی شامل لهجه های که ته (کته)، کلبنه الا (نزد زبانشناسان بنام وایگلی شهرت دارد) پرسونی و اشکوبی (بانون غنه که در

الفبای زبان نورستانی[۷] شکل (ں) گرفته شده است) و تریگامی د همیلی[۹] بوده و مورگنسترن آنرا از نگاه منطقوی بدو دسته، شمالی و جنوبی تقسیم نموده است که لهجه های کته و پرسون شامل دستهء شمالی، کلښه الا و اشکونی شامل دسته جنوبی میباشند.



بالهجه کته، در مناطق باشگل، ژمگل کولم، بعضی مناطق علیای الینگار، کتیوی یا کانتیوا حرف زده میشود. همچنان در کامدیش و دهات اطراف آن نیز شاخه یی از همین لهجه مورد محاوره میباشد. لهجهٔ کته از لحاظ گوینده گان بزرگترین لهجهء زبان نورستانی بوده و برای لهجه های دیگر زبان نورستانی،حیثیت زبان مادر را دارد.

لهجه کته به دو شاخه شرقی و غربی مجزا میشود که ساحه حیات آن در شرق، دره‌ء باشگل و در غرب دره های کانیتوا، ژمگل و کولم میباشد.

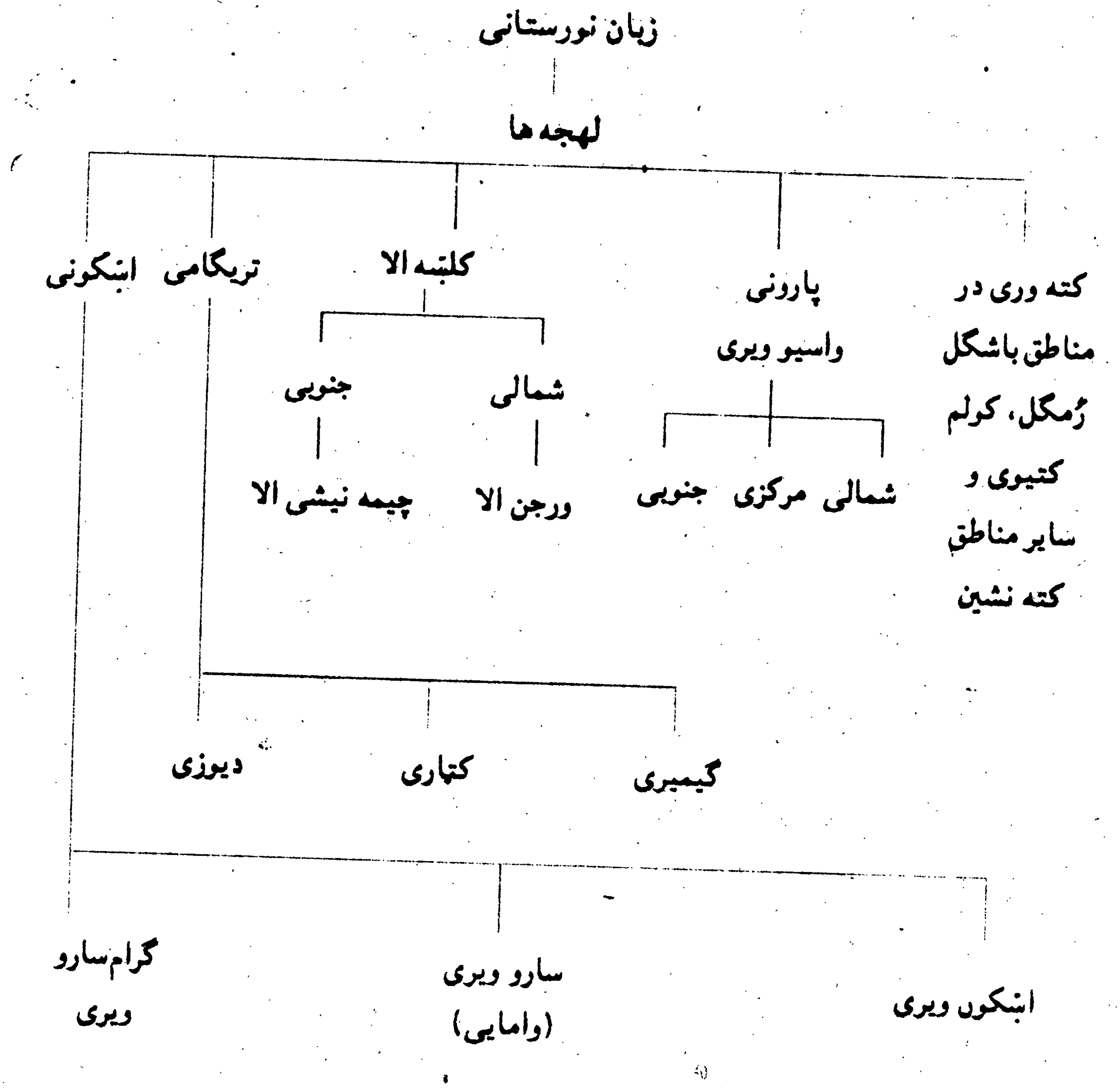
لهجه‌ء پرسونی در وادی پارون مروج بوده و سه دیالکت، شمالی، مرکزی و جنوبی در آن قابل تشخیص میباشد.

کلښه الا در دره‌ء کلښوم که فعلاً بنام دره‌ء وایگل معرفی گردیده است، موجود بوده و در آن نیز شاخه‌ء شمالی وجنوبی به مشاهده میرسد. همچنان شاخه یی ازین لهجه در دره‌ء تریگام (تریگرام) موجود میباشد که در آن سه دیالکت، گیمیری، کتاری و دیوی یا دیوزی دیده میشود.

لهجه اشکونی در مناطق جنوب غرب نورستان مورد تکلم بوده، و سه دیالکت در آن قابل تشخیص میباشد. اشکون ویری که در ساحه کوله تن تتین و بجایگل متداول میباشد، شاخهٔ دیگر آن در ساحه و اما حرف زده میشود که بنام و امایی مسمی است. شاخه سومی این لهجه گرام سارو ویری یاد میشود، که در مناطق بین و اماوتتین مروج میباشد.

بر اساس روایات مردم نورستان و به گفته دانشمندی، اگر مبدا و قدامت مردم هر سه دره‌ء نورستان (شرقی، مرکزی و غربی) را جستجو نمائیم بدون شك همه بیك مدنیت و یك مبدا میرسند که این خود بیانگر مبدای مشترك نژاد مشترك و زبان مشترك برای تمام مردم نورستان میباشد. (۱۰)

توضیحات فوق را میتوان در جدول ذیل چنین خلاصه کرد.



باید تذکر داد که زبان نورستانی واحد بوده اما در طول صدها سال جنگ و مجادله با مسلمانان مناطق اطراف نورستان و انقسام گویندگان این زبان در دره های مختلف و از هم دور افتاده،که تماس از ورای کوههای شامخ و بلند قامت آن در طول سال به شکل دوامدار مشکل و حتی ناممکن بوده است، به لهجه های متعدد تقسیم شده است.

در زمان قبل از اسلام هر یك از قبایل نورستان در هر منطقه که سکونت داشتند،زیاد ترین فرصت خود را برای آماده گی های نظامی و یورش های

چریکی وقف کرده بودند،زیرا آنها از یکطرف با مسلمانان مناطق ماحول خویش که از نگاه کمیت زیادتر و از نگاه کیفیت قوی تر و دارای سلاح پیشرفته تر بودند همیشه در حال جنگ بودند،از طرف دیگر با اهالی قرای مجاور خویش نیز بخاطر چراگاهها و سایر مسایل قومی و قبیلوی بشکل دوامدار در حال نزاع و جنگ بسر می بردند. لذا ما امروز از یك قریه تا قریه دیگر در عین لهجه تفاوت های لفظی و صوتی را درادای کلمات و لغات مشاهده می کنیم که گاهی فکر میشود دو کلمه از هم جدا و بیگانه اند.

محققینی که از بیرون منطقه وارد نورستان شده اند،با شنیدن لهجات مختلف هر یك آنرا بنام زبان ثبت کرده اند. پروفیسر گریونبرگ زبان شناس شوروی سابق (شاید مانند سایر زبانشناسان) مدعی بود که هر یك از لهجه های نورستانی مستقل بوده و باید هر یك آنرا بنام زبان یاد کرد.

موصوف میگفت : هر یك از لهجه های نورستانی زاده یك زبان مشترك بوده،اما در طول سالها بصورت مستقل رشد نموده و فهم آن برای کسانیکه با یکی از لهجه های دیگر حرف می زنند، مشکل میباشد.لذا هر کدام از این لهجه ها امروز زبان مستقل اند.

به خود حق نمیدهم که حرف زبانشناسان را رد و یا به ارزش کم گیرم،اما میخواهم بگویم که هنوز در تمام لهجه های زبان نورستانی لغات مشترك، طرز جمله سازی مشترك، اصطلاحات مشترك و بسا شباهت های قوی دیگر وجود دارد که متاسفانه در اثر دوری گویندگان و عدم تماس ها و نبودن خط و نوشت، شناخت این لغت ها ، اصطلاحات و سایر شباهت ها مشکل گردیده است. لذا شناخت تمام این نزاکت های لفظی وصوتی برای کسی که از بیرون

وارد نورستان میشود، واقعاً مشکل و حتی ناممکن میباشد.

محققین خارجی وقتی که به نورستان میروند تمام معلومات ها را بشمول بعضی اشتباهات که یا در منطقه نزد اهالی موجود است و یا در اثر مشکلات لسانی بین متکلم و مخاطب بمیان می آید، ثبت نموده اند که اینگونه اشتباهات نه تنها در طول زمان انتقال یافته بلکه بحیث مشکلی تا امروز باقی مانده است.

به گونه مثال : ستوارت الفنستن بسا اطلاعات نادرست و تهمت آمیز را که مردم مناطق همسایه نورستان، که در آن زمان بنام کافر با مردم نورستان در حال جنگ بودند، به نورستانیان نسبت داده به او گفته اند، همه آنها را به عنوان کلتور و حقایق جامعه نورستان قبل از اسلام ضمیمه یادداشت های خویش ساخت. یا مانند جورج رابرت سن که به اشتباه منطقه کلښوم (مناطق مرکزی نورستان) را بنام وایگل و قبیله کلښه را بنام وی Wai ثبت یادداشت های خود نموده و یا بخش شرقی نورستان را از قول مردم چترال بنام بجگل نوشت، که امروز به نام باشگل تغیر یافته است. این اشتباهات نه تنها تا امروز تکرار می گردد بلکه تعمیم و رسمیت هم یافته است.

این مثال ها بحیث نمونه یی از مشکلات محققین در رابطه به شناخت نورستان آورده شد که تا امروز هم از آن بحیث مأخذ اقتباس صورت گرفته و میگیرد.

در بخش شناخت زبان نورستانی نیز شاید در بعضی اوقات تا حدی این گونه اشتباهات صورت گرفته و تمام لهجه های زبان نورستای بنام زبانهای مستقل ثبت گردیده است . در هنگام قبل از اسلام طوریکه گفته شد قبایل نورستان روابط وتماس با همي دوامدار نداشتند. درین مختصر با مد

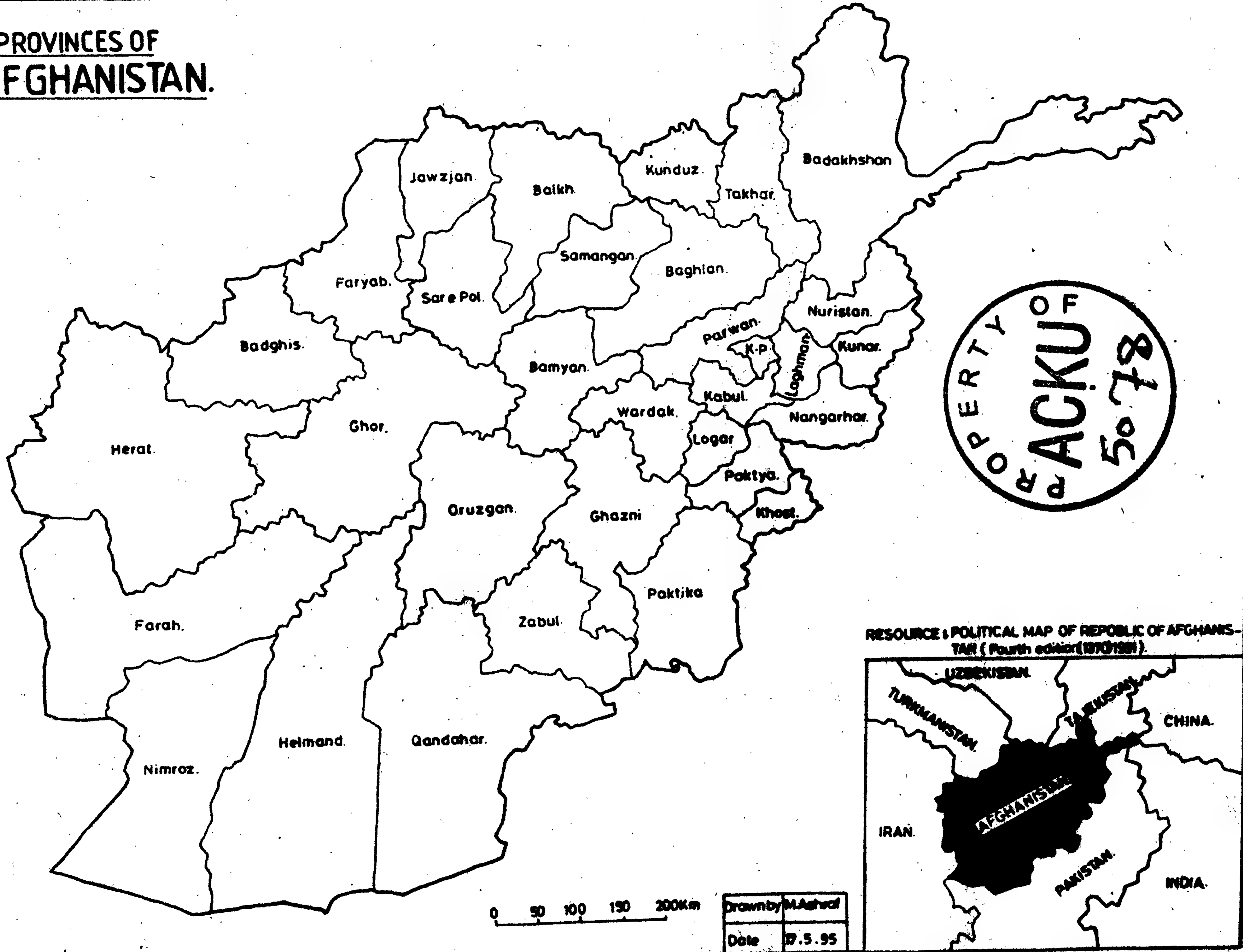
نظر داشت دلایلی که قبلاً تذکر رفت، همهٔ لهجه ها را تحت یك عنوان یعنی (زبان نورستانی) به مطالعه گرفتم و برای هر یك از لهجه ها که زبان شناسان کلمه (زبان) را بکار برده بودند من در عوض کلمهٔ لهجه را بکار بسته ام.

در اینجا باید گفت ، الفبای حاضر زبان نورستانی که از سوی اکادمی علوم افغانستان ترتیب و انتشار یافته است قبل از تثبیت آن، الفباهای مختلف توسط افراد مختلف بصورت انفرادی طرف استفاده بود.

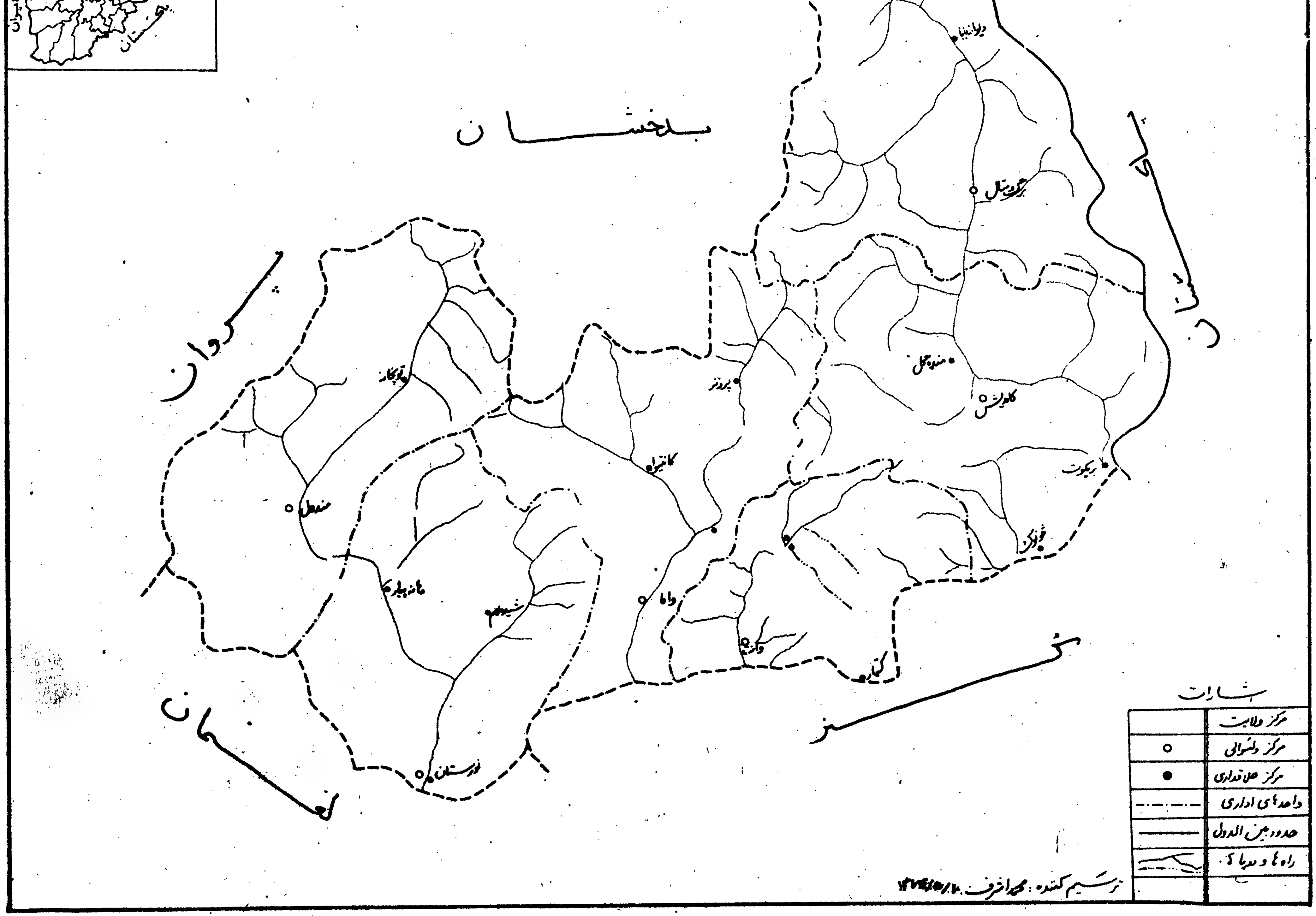
پروفیسر گریونبرگ که با لهجهء کته آشنایی داشت بعد از تثبیت الفبای حاضر زبان نورستانی، جهت ادامه تحقیقات زبان شناسی با لهجه کلښه الا که نزد زبانشناسان بنام وایگلی مسمی میباشد، Kalṣ̌á alā آشنا گردید. موصوف ازین امر بسیار متأسف بود که بعد از تثبیت الفبای زبان نورستانی با این لهجه آشنا شده است، زیرا وی معتقد بود که بعضی اکسنت ها یا نیمه صداهای درین لهجه وجود دارد که برای تمثیل آنها سمبولی در جدول الفبا گنجانیده نشده است. به گونه مثال در جدول الفبا برای تمثیل زبرك شکل (a) انتخاب شده است، اما در لهجه کلښه الا بر علاوه صوت فوق، شبیه به آن حرکت و نیمه صوت دیگری هم وجود دارد که میتوان شکل (ị) را برای نمایش آن برگزید مانند sị (ببر) zịm (برف) و غیره. همچنان صدای نون غنه (ں) در لهجهء کلښه الا بحیث یك صوت مستقل بوده اما در جدول الفبا بحیث حرف احتیاطی گرفته شد که این خود دال بر بودن بعضی کاستی های کوچك در الفبای حاضر می کند.

بهرحال الفبای حاضر نخستین گام رسمی و علمی در جهت نوشتاری ساختن زبان نورستانی بوده و برای ما اهمیت زیاد دارد. کاستی ها و احیاناً

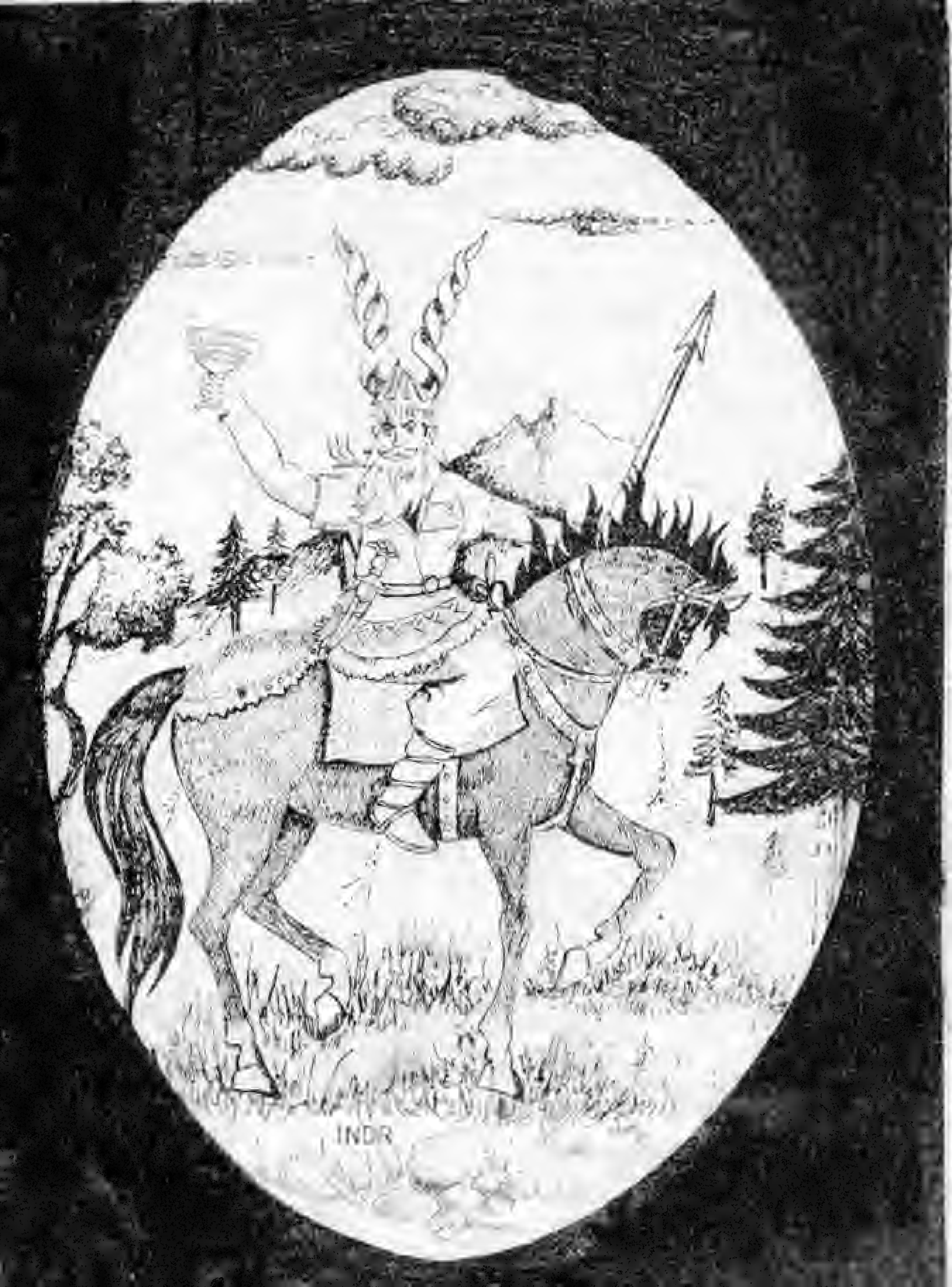
PROVINCES OF AFGHANISTAN.



نقشهٔ ولایت نورستان




GEŞ
Nawabi


INDR

اشتباهات به آن حدی نیست که مانع کاربرد این الفبا در نوشتار و خوانش گردد. لذا این الفبا به مثابه اولین وسیله برای آغاز، دارای اهمیت فوق العاده بوده و باید آنرا به کار گرفت و براه افتاد. در نتیجه کار برد الفبا، کاستی ها بر ملا شده و در طرح ها و گامهای بعدی، نقایص بر طرف و الفبا متکامل تر خواهد گردید. (انشا الله)

مأخـــذ :

۱- خواننده گان گرامی اسم ایرانی را با نام کشور ایران اشتباه نکنند بلکه ایران یکی از نامهای آریانا یا نام قدیمی افغانستان میباشد که کشور همسایه ما فارس که ساکنان آن نیز آریایی اند اکنون برخود گذاشته است.

۲- دیده شود : تازه، سمیع الله. ریشه های تاریخی و فرهنگی نورستان. کابل ۱۳٦۷ ص ۲٦٤

۳- دیده شود : همان کتاب ۲٦۵

٤- دیده شود : ایضاً

۵- دیده شود : تازه، سمیع الله، ادبیات شفاهی نورستان. پشاور ص ۲٤۸

٦- دیده شود : تازه، ریشه های تاریخی و فرهنگی نورستان. ص ۲٦۷

۷- دیده شود : همان کتاب ص ۲۷۱ و معتمدی، احمد علی. مذهب قدیم نورستان کابل ۱۳۷۰ ص ٦

۸- دیده شود : تازه. ادبیات شفاهی نورستان ص ۲٤۸

۹- جورج مورگنسترن در کنفرانس (کلتور هندوکش) منعقده، پوهنتون موسگارد دنمارك در سال ۱۹۷۰ از کشف ششمین زبان نورستانی بنام دهمیلی Dahmili حرف زده گفت : این زبان که در مناطق میان دره، کنر و وایگل حرف زده میشود نه ایرانی است و نه هندی، بلکه اولین زبان قبایل آریایی میباشد.

۱۰- دیده شـــود : تازه. ریشه های تاریخی و فرهنـگـی نورستان. ص ۲۷۲-۲۷٤

بخش دوم

الفبای زبان نورستانی

اکادمی علوم جمهوری افغانستان
مرکز زبان و ادبیات

انستیتوت زبانها و ادبیات ملیت های برادر
دیپارتمنت زبان و ادبیات نورستانی

کابل - ۱۳۶۶

الفبای زبان نورستانی

اکادمی علوم جمهوری افغانستان به مشابهء بزرگترین موسسهء علمی تحقیقاتی کشور با پیروی از مشی فرهنگی ... دولت جمهوری افغانستان وظیفهء خویش میداند تا به خاطر رشد، انکشاف و شگوفایی فرهنگ، زبان، رسوم و عنعنات پسندیده تمام ملیت ها ، اقوام و قبایل ساکن در کشور ما،برنامه های علماً تنظیم شدهء خود را یکی پی دیگر در عمل پیاده نماید. به اساس این هدف والا و مردمی، مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم بر آن شد تا در پهلوی سایر پروژه های علمی و تحقیقی، برای آنعده از زبانهای مروج در کشور ما که تاکنون الفبای رسماً منظور شده و علمی ندارند؛ الفبای علمی و جامع را بر اساس موازین و معاییر زبانشناسی معاصر طرح و تدوین نماید. به خاطر دستیابی به این امر بزرگ مرکز زبان و ادبیات اکادمی علوم کمیسونی را مرکب از زبانشناسان، دانشمندان و فرهنگدوستان نورستانی موظف نمود تا همچون سایر زبان هایی که الفبای ویژه یی ندارند، برای زبان نورستانی نیز الفبای جامع و علمی تدوین نمایند.

کمیسیون بعد از مطالعهء همه جانبه موضوع و با استفاده از تجارب زبانشناس و نورستانشناس اتحاد شوروی پروفیسور الکساندر لیونوویچ گریونبرگ که شخصاً هم در کار طرح الفبا سهم مستقیم و عملی داشت، الفبای زبان نورستانی را طرح و تدوین نمود. نخست برای اینکه آشنایی با شیوهء کارمان بدست آید، چند سخنی در بارهء چگونه گی طرح و تدوین این الفبا مینویسیم :

به شهادت تاریخ، نورستانیها از جملهء باشنده گان باستانی کشور عزیز ما افغانستان بوده، از روزگار خیلی دور در شمالشرق کشور، در دره های سر سبز جنوبی هندوکش شرقی حیات به سر برده اند. آنها به مثابهء یکی از قبایل دهگانهء آریایی،در حدود هزار سال تا اخیر سدهء نزدهم با باشنده گان مناطق اطراف خویش در اثر اختلاف دینی و عقیدوی در جنگ و ستیز بسر برده و هیچ نوع روابط قابل ذکری اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نداشتند. این امر سبب گردید تا فرهنگ باستانی و زبان آنها تا حدود زیادی مشخصات بارز و کهن خویش را تاکنون حفظ نماید.

با نظرداشت عوامل مختلف و گوناگون (که در بخش اول مختصراً به آنها اشاره شد)، نورستانی ها تاکنون فاقد زبان نوشتاری بوده و از آنها هیچ گونه اثر کتبی و مدون در اختیار نداریم. ادبیات آنها شکل شفاهی داشته و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و چه بسا که با گذشت زمان پر ارزشترین آثار ادبی این مردم به مغاک نیستی فرو رفته است.

بعد از آنکه برای ملیتهای مختلف ساکن در کشور ما منجمله نورستانیها، زمینهء نشرات به زبان مادری شان فراهم گردید، به طرح و تدوین الفبای جدید علمی برای زبان نورستانی نیز ضرورت مبرم احساس شد، زیرا الفبای که قبلاً بصورت انفرادی از ان استفاده به عمل می آمد غیر علمی بوده واز بسا جهات دارای چنان کمبود های بود که نمیتوانست تمام آوازهای موجود در این زبان اعم از صامتها و مصوتها را انعکاس دهد.

بیگمان چنین کمبودی ها، بی سرو سامانی و درهم و برهمیهایی را در نوشتن و خواندن پدید آورده سبب می شد تا در نوشته های افراد مختلف هماهنگی وجود نداشته و حتی در نوشته های یك نویسنده هم، تناقضات

دوگانه و چندگانه نوشتاری به میان آید.

انسانها برای بیان مفاهیم، از دو وسیله استفاده میکنند، یکی زبان گفتاری و دیگری زبان نوشتاری. برای اینکه افراد یك جامعهء زبانی، مفهومی را به وسیلهء نوشتن به یکدیگر انتقال دهند، باید هنگام بیان مفاهیم از یك نظم خاص پیروی نمایند، زیرا عدم رعایت آن،افهام و تفهیم میان افراد همان جامعهء زبانی را ناممکن خواهد ساخت.

در زبان، الفبا بحیث وسیله یی برای انتقال مفاهیم مورد استفاده قرار میگیرد. الفبای هر زبان، نظامی از ترکیب علایم نگارشی است که هر علامه به نام حرف یاد میشود و هر حرف یا ترکیبی از حروف، نمودار یك یا چند صوت زبان میباشد.

الفبای هر زبان دارای سیستم ویژه یی بوده و تحت قواعد و دستورهای معینی مورد استفاده قرار میگیرد. بهترین سیستم الفبایی همان است که آواز های موجود در همان زبان را یك به یك نشان دهد. به عبارهء دیگر هر حرف یك آواز را افاده کند و بالعکس هر آواز تنها با یك حرف نشان داده شود.

متأسفانه، الفبایی که در نگارش زبانهای مروج در کشور ما چون پشتو، دری، ازبکی و غیره مورد استفاده قرار میگیرد، فاقد چنین مشخصه بیست. گاهی چند حرف یك آواز را افاده میکنند و گاهی هم آواز ها به کلی نشان داده نمیشوند، که در نتیجه در نوشتن و خواندن این زبانها دشواریهای معینی به وجود آمــده و ذهن هر نو آموز را مغشوش میسازد. (*)

تحقیقات انجام شده نشان میدهد که سیستم فونیمی (ساختار صوتی)

(*) - الفباهای زبانهای دری، پشتو و ازبکی خوبیها چون زودنویسی و زود خوانی را در خود دارند.

زبان نورستانی با سیستم فونیمی زبانهای پشتو و دری تفاوتهای چشمگیری دارد. تعداد صامتها در این زبان نسبت به زبانهای پشتو و دری بیشتر است؛ طوریکه نیمی از آنها درین زبانها وجود ندارند بنابر این کوشش به عمل آمده است تا چنان سیستم الفبایی برای زبان نورستانی طرح گردد که حد اکثر اصوات این زبان توسط آن نشان داده شود، اما در کار طرح چنین الفبای جامع هم اکنون موانع تخنیکی فراوانی وجود دارد، یکی ازین موانع نبودن امکانات طباعتی میباشد، ازین رو نتوانستیم برای تمام آوازهای مختص به زبان نورستانی، حروف جدید وضع نماییم.

با امکانات دست داشته، طباعتی برای افاده، تعدادی از آواز ها به شمول صامتهای کامی شده از ترکیب دو حرف استفاده شده است که از لحاظ علمی قابل قبول و پذیرفتنی میباشد. قابل تذکر است که در الفبای تدوین شده برای دو صامت حروف جدیدی پیش بینی و به مطبعه، دولتی پیشنهاد شده است هنگامی که حروف پیشنهاد شده در اختیار ما قرار داده شوند از آنها استفاده به عمل خواهد آمد.

الفبای زبان نورستانی به اساس معیارهای زیرین طرح و تدوین گردیده است :

۱ – طوری که میدانیم، زبان نورستانی دارای لهجه های مختلف و متفاوت ازهم میباشد، چون اکثریت نورستانیها با لهجه، که ته، (کاتی) تکلم میکنند تصمیم گرفته شد تا برای طرح الفبای جدید، ساختار صوتی لهجه، که ته، اساس قرار داده شود، اما برای اینکه از الفبای طرح شده گوینده گان تمام لهجه های زبان نورستانی نیز بتوانند استفاده نمایند، شماری حروف احتیاطی هم شامل الفبا ساخته شده اند تا در صورت ضرورت مورد

استفاده قرار گیرند. حروف مذکور در جدول الفبا در قوسهای ایستاده { } گرفته شده اند.

۲- الفبای زبانهای پشتو و دری تابع بعضی قوانینی اند که در رسم الخط هر دو زبان معمول میباشد، برای اینکه هنگام نگارش میان زبانهای مروج در کشور هماهنگی وجود داشته باشد، الفبای زبان نورستانی نیز تابع قوانین مذکور میباشد. به گونهء مثال، اشکال مختلف یك حرف با در نظر داشت کار برد آن در موقعیت های مختلف کلمه ها.

۳- حتی الوسع کوشش شده است تا هر آواز (اعم از صامت وصائت) با یك حرف نشان داده شود و هر حرف تنها از یك آواز نماینده گی کند، اما طوری که قبلاً تذکر داده شد نسبت عدم امکانات تخنیکی، برای نشان دادن یك آواز از ترکیب دو حرف نیز استفاده شده است؛ مانند (تچ) /Č/ و ژ/ Ž /. {با استفاده از امکانات تخنیکی جدید میتوان این دو حرف را صرف بشکل (ڇ) و (ڒ) نوشت} صامتهای کامی شده، در عده یی از موارد یك حرف دو آواز را نیز افاده می کند.

٤- چون فعلاً کلمات و اصطلاحات سیاسی، اقتصادی، تخنیکی، علمی، ادبی و غیره از زبانهای عربی، پشتو و دری وارد زبان نورستانی شده اند و در آینده نیز به شمار این واژه های دخیل افزوده خواهد شد. برای اینکه در نوشتن این نوع کلمات میان رسم الخط این زبان و زبانهای رسمی و ملی کشور دوگانگی بوجود نیاید و هم آموزندگان و نویسنده گان زبان نورستانی به مشکلات مواجه نشوند، حروف (ث، څ، ح، خ، ذ، ص ، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، هـ، ء) با وجود نبودن آوازهاي این حروف در نظام

صوتی زبان نورستانی، به جدول الفبا شامل ساخته شده اند.

۵- زبان نورستانی یك زبان محلی بوده و در خود محل مورد استفاده قرار میگیرد، چون متعلمین مکتب بعد از سپری نمودن دورهٔ ابتدایی مجبور اند تحصیلات بعدی را به زبان پشتو یا دری ادامه بدهند.(*) برای اینکه آنها در جریان ادامه تحصیل با دشواری مواجه نشوند کلماتی که از زبانهای پشتو، دري و عربی به عاریت گرفته میشوند، تابع قواعد رسم الخط زبان نورستانی نبوده و آن چنانیکه در نظام نگارشی پشتو و دری تحریر میبابند نوشته میشوند، به استثنای کلمات دخیلی که از زمانه های بسیار دور وارد زبان نورستانی شده، تلفظ اولی خود را از دست داده اند. شکل مفغن این نوع کلمات به اساس رسم الخط زبان نورستانی نوشته میشود.

٦- فونیم های کامی شده در جدول الفبای زبان نورستانی شامل نشده اند، زیرا تمام این نوع آوازها با ترکیب دو حروف نشان داده میشوند که جزء اول آنها حروف وضع شده برای فونیم و جزء دوم آنها حرف (ی) میباشد.

تشریح الفبای زبان نورستانی :

الفبای زبان نورستانی دارای حروف ذیل است :

آ، ا، أ، ب، پ، ت، ټ، ث، ج، {ڄ}، چ، ڇ، څ، ځ، ح، خ، د، ډ، ذ، ر، {ڕ}، رٔ (ڕ) (**) ز، ژ، ږ، س، ش، ښ، ص، ض، ط،

(*)- در هنگام کار روی طرح این الفبا، حکومت وقت در نظر داشت شرایطی فراهم گردد، تا فرزندان هر ملیت تحصیلات ابتدایی خود را به زبان مادری شان انجام دهند- تازه

(**)- به نظر من اگر این حرف را به شکل (ڕ) نوشته کنیم آسان تر خواهد بود زیرا نوشتن حرف (ر) با همزه یا مد از یکطرف ترکیب دو حرف است از طرف دیگر در نوشتن وخواندن نیز مشکلات را بار می آورد - تازه.

ظ، ع، غ، ف، ق ك، گ، نگ، ل {لهـ}، م، ن، ڼ، {ں}، و، هـ، ه، ه، ، ی، ي، ې.

از جمله‌ء حروف فوق، حروف (ث، څ، ح، خ، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، هـ، ء) به حیث حروف احتیاطی در الفبای زبان نورستانی شامل ساخته شده اند؛ زیرا آوازهایی را که این حروف در زبان عربی یا پشتو و دری افاده میکنند در نظام صوتی زبان نورستانی وجود ندارند. این حروف تنها هنگام نوشتن کلماتی که از زبان های عربی، پشتو و دری وارد زبان نورستانی میشوند مورد استعمال قرار میگیرند. به گونه‌ء مثال، کلماتی چون : ثواب، پوهنځی، محمد، تخارُ، مأخذ، صبر، فرض، قرآن، فرانسه، هرات و غیره.

حروف احتیاطی نوع دوم که در قوسهای ایستاده گرفته شده اند، آوازهایی را نشان میدهند که در سیستم صوتی لهجه‌ء معیاری که به اساس آن الفبا تدوین شده است وجود ندارند. برای اینکه الفبای تدوین شده برای افاده‌ء آوازهای موجود در سایر لهجه ها هم جنبه‌ء عملی داشته باشد، حروف مذکور شامل الفبا شده اند و عبارتند از :

ڇ/ J̌ / این حرف آواز ج/J/ منقلب را نشان میدهد.

ړ /Ṛ/ این حرف مانند (ړ) در زبان پشتو یك آواز منقلب را افاده میکند.

لهـ / ƛ / این حرف آوازی را که جفت بی آواز "ل" / L / است، افاده میکند.

ں/~/ این حرف نشانه ییست که مصوتهای انفی شده را افاده میکند و بعد از حرفی که مصوت انفی شده را نشان میدهد، نوشته میشود.

چنانکه یاد آور شدیم تعداد صامتها (که در عربی حروف صحیح نامیده میشوند) در زبان نورستانی بسیار زیاد است و ما آنها را به دو دسته تقسیم مینماییم :

۱- ساده

۲- کامی شده (نرم شده)

صامتهای ساده :

در الفبای تدوین شده تمام صامتها با حروف جدا گانه (به شکل مفرد یا ترکیبی) نشان داده شده اند. این حروف مانند رسم الخط زبانهای پشتو و دری نوشته میشوند. در اینجا تنها سه صامتی را که با ترکیب دو حرف نوشته میشوند. توضیح مینمائیم :

۱- چ/Č/ این آواز مخصوص زبان نورستانیست که به صورت {چ} منقلب ادا میشود.

۲- ژ (ړ) / ř / این آواز مخصوص زبان نورستانی بوده تقریباً با صوت آر / r / انگلیسی لهجه امریکایی شباهت دارد. این آواز که با منقلب نمودن جلو زبان و بلند نمودن آن به سوی کام تولید میشود، قبلاً توسط حرف (ع) نشان داده میشد که از چند لحاظ درست نبود.

نخست اینکه حرف (ع) به حیث یك حرف احتیاطی در الفبای زبان نورستانی یك آواز حلقی را افاده میکند و هنگام نوشتن کلمات دخیل از آن استفاده میشود.

دوم اینکه آوازی که توسط (ع) نشان داده میشود از لحاظ شیوه و محل تولید با (ژ) /ř/ در زبان نورستانی هیچگونه وجه مشترك ندارد.

چون ڙ / ř / از لحاظ شیوهٔ تولید و عضو تولید کنندهٔ آن با ر / r / مشابهت دارد، بنابرین تصمیم گرفته شد تا بعد ازین برای نشان دادن آواز مذکور از ترکیب (ر) با (همزه) به شکل (رٔ) استفاده شود.

همچنان برای نشاندادن این آواز حرف (ڒ) پیشبینی گردیده است که در آینده بعد از آنکه امکانات طباعتی به وجود آمد از آن استفاده خواهد شد. (اما بسیار آسان وبهتر خواهد بود که در آینده این حرف را به شکل (ڔ) بنویسم)

۳- نگ /ŋ/ در زبان نورستانی این فونیم ترکیبی از آوازهای (ن) و (گ) نبوده بلکه یك آواز مستقل و در واقع نون غنه ای و شبیهه به آواز نون در کلمهٔ (انگور) دریست.

چون آواز مذکور به صورت مستقل در زبان نورستانی وجود دارد، تصمیم گرفته شد تا با ترکیب حروف (ن) و (گ) به شکل (نگ) نشان داده شامل الفبای این زبان گردد.

به طـور مثال : انگا/aŋa/ (آتش)، مـــرانگ /mraŋ/ (آهو) و غیره.

صامتهای کامی شده :

این صامتها در زبان نورستانی فونیمهای مستقل بوده و تقریباً تمام صامتهای ساده میتوانند جفت کامی خود را نیز داشته باشند. این نوع صامتها توسط ترکیب (ی) با حرف وضع شده برای صامت ساده نشان داده میشود، چون تمام صامتهای کامی شده به اساس یك قاعدهٔ عموی نوشته میشوند، تصمیم گرفته شد که در زمرهٔ حروف الفبا شامل شوند. به مثال

های ذیل توجه نمایید :

بیوم	búm	(زمین)
پیه	Pá	(پرچال)
سپیرو	spúw	(نمد)
دیو	dú	(دو)
دیوم	dúm	(دود)
تیو	tú	(تو، شما ، مفرد)
أریو	ʒrú	(نقره)
کیور	Kúr	(پا)
پتیار	pṭā́r	(به عقب)
کیول	kúl	(جبل)
انگیور	aŋúr	(انگشت)
لونیا	luṇá	(افتاد-او-مذکر)
اتچي (اچي)	ači	(اشك)
اونیه	awná	(سرپوش)
سیرو	súw	(پل)
ښیال	ṣ̌āl	(گرگ)
ښیه	ṣ̌á	(پستان)
څیا	cā́	(تیز، برنده)
کلیږ	k alā́ř	(پنیر)

وغیره .

مصوتها (حروف علت) :

طوریکه در نظام نوشتاری زبانهای پشتو و دری نشان دادن مصوتها در موقعیتهای مختلف کلمه ها دارای دشواریهای معینی است، در نگارش زبان نورستانی نیز عین دشواریها کم و بیش وجود دارد. زبان نورستانی دارای هشت مصوت بوده و حروف ذیل برای نشان دادن آنها وضع شده اند :
آ، ا، أ، و، ه، ه، ء ، ي، ي.

اینجا توضیح میشود که حرفهای مذکور کدام آواز ها را افاده میکنند

آ– این حرف در آغاز کلمه ها آواز /ā/ را که الف ممدوده نامیده میشود، نشان میدهد مانند : آپی کوسته (فریاد کشیدن)

در زبان نورستانی این آواز بسیار به ندرت در آغاز کلمه ها می آید.

ا– این حرف در آغاز کلمه ها /a/ را که فتحه (زبر) نامیده میشود و در وسط و آخر کلمه ها الف ممدوده را نشان میدهد مانند :

در آغاز کلمه ها : اخ (بیا)، اتکي (آنجا) وغیره.

در وسط کلمه ها : تال (دیگ)، چام (پوست) و غیره .

در انجام کلمه ها : ارا (ثروتمند) سنمنا (لباس) وغیره .

یادداشت : در نظام نوشتاری زبان نورستانی (الف) در آغاز کلمه ها همیشه فتحه را نمایش میدهد،اما طوری که در صفحات پیشین یاد آور شدیم کلماتی که از زبانهای پشتوو دری وارد زبان نورستانی میشوند تابع قانون رسم الخط این زبان نبوده به سان پشتو و دری نوشته میشوند، بنابراین در کلمات دخیل (الف) در آغاز کلمه ها میتواند ضمه و کسره را نیز نشان دهد مانند :

الف : مضموم - اصول، ارگان، امت وغیره

ب : مکسور - امضا، اعلان، امتحان و غیره

أ- این حرف در آغاز کلمه ها استعمال شده و آواز (أ) /٤/ را که ما زبرك می نامیم نشان میدهد مانند : أو (یك)، أما (برویم) وغیره.

و- در نظام نوشتاری زبان نورستانی این حرف مانند نظام نوشتاری سایر زبانهای مروج در کشور ما، گاهی صامت /w/ و گاهی هم مصوت /ū/ را نشان میدهد. هرگاه این حرف به حیث نشان دهندهء مصوت استعمال شود در وسط و انجام کلمه ها واو معروف را افاده میکند. مانند :

به حیث صامت : (حرف صحیح) وابس (باران)، پووه (پارسال) وغیره.

به حیث مصوت : در وسط کلمه ها : کرٔوم (بام)، دوخ (ده) وغیره.

در انجام کلمه ها : ښو (شش)،نو (مادر) و غیره.

واو معروف بسیار به ندرت در آغاز کلمه ها می آید، و اگر بیاید قبل از (و) الف نیز افزوده میشود. مانند : (اوپه) (گژدم) (اوښت) هشت.

ه - (ـه،ـہ)- این حرف برای نشان دادن فتحه (زبر) در انجام کلمه ها مورد استفاده قرار میگیرد. مانند : سکه (جاروب)، ده (قرض) و غیره.

ه - (ـهٔ،ـۂ)- این حرف در اخیر کلمه ها و هجاها، آوازهای (هٔ) /ə/و/٤/ را که ما هردوی آنها را زبرك مینامیم نشان میدهد مانند : پڑهٔ (سیب)، پته (بال و پر)،وځه (بیست)،مسهٔ (موش)، ستهٔ (اوضمیر شخصی در حالت مغیره)، پڑهٔ (بده) و غیره.

ي- این حرف در وسط و اخیر کلمه ها آواز /i/ را که یای معروف نامیده میشود نشان میدهد مانند :

در وسط کلمه ها : نیژ (به طرف پائین)،مین (پیشانی)، دیغ (زبان) وغیره.

در انجام کلمه ها : ژي (سیاه)، مخي (ماهی) نچي (ناخن) وغیره.

ي- این حرف در وسط و اخیر کلمه ها آواز / e / را که یای مجهول نامیده میشود نشان میدهد، مانند :

در وسط کلمه ها : وي ستهٔ (زدن)، وتي ستهٔ (ایستاده شدن) وغیره.

در انجام کلمه ها : منچی (آدم در حالت مغیره)،اوزي (می آید، آن زن) وغیره.

در زبان نورستانی (یای مجهول) در آغاز کلمه ها و هجا ها نمی آید، (یای معروف) هم بسیار به ندرت در آغاز کلمه ها به مشاهده میرسد، در صورتی که (یای معروف) در آغاز کلمه ها واقع شود قبل از (ي) الف افزوده میشود، مانند : ایش کوسته، به سوی کسی خیره شدن دیدن، ایغ (خرس) وغیره.

قابل یاد آوریست که در نظام نوشتاری زبان نورستانی مصوتهای /a/ (فتحه)/ ə /و/٤/ (زبرکها) در وسط کلمه ها و هجا ها نشان داده نمیشوند، بنابرین تمام صامتها میتوانند با حرکات مختلف خوانده شوند چنانکه در کلمات ذیل مشاهده مینمایید :

پڑه،	pařə	(سیب)
پرده،	pardə	(پیر-مذکر)
تبک	tabək	(کاسهء چوبی)

بمار	bəmāw	(گاو زنبور)
دمستهء	damɛsta	(گرفتن)
مژستهء	maẓ̌ɛstə	(بریان کردن)
مرستهء	mərɛsta	(مالیدن)
مم	mam	(ماما)
کرنگهء	kər ŋa	(درشت)
زرهء	zəra	(دل، قلب)
ترمشي	trəmši	(شام)
منهء	məna	(ریسمان)
لسته	lɛsta	(خوب)
دش	dɛṣ̌	(دنیا)
ښم	ṣ̌ɛm	(صلح)
وښ	wɛṣ̌	(صحت)
وریك	warik	(رفیق)
ینیغ	yanic	(یازده)
لی وار	lɛywār	(خوبی) و غیره

دراینجا جدول الفبای زبان نورستانی را می آوریم که در آن بالترتیب حروف، نام ، علامهء فونیمی و مثالها با ترانسکرپشن فونیمیکی آنها آورده شده اند.

جدول الفبای زبان نورستانی

شماره	حرف (مفرد)	نام حرف	علامهء فونیمی	حرف احتیاطی	مثالها در کلمات: آغازین	مثالها در کلمات: میانین	مثالها در کلمات: انجامین
۱	آ	الف مددار	ā		آپی کوسته apikusta	متحدالمال mutahidulmaal	
۲	ا	الف	a		اتکی atki		
			ā			پار pār	سنا sanā
۳	أ	الف همزه دار	ɛ		أنهٔ ɛna		
٤	ب	بی	b		باس bās	تبک tabak	
٥	پ	پی	p		پروجیک prujik	ښپه ṣ̌pa	تاپه tāp
٦	ت	تی	t		ترهء trɛ	کتوک ktuk	ته کت takat
٧	ټ	ټی	ṭ		ټنګه ṭaŋa	کټا kṭā	پټ paṭ
٨	ث	ثی	s,/θ/	احتیاطی	ثواب sawāb	نثار nisār	ثالث sālis
٩	ج	جیم	ǰ		جوجمی ǰuǰami	انجبهء atɛjbɛ	واج wāǰ

جدول الفبای زبان نورستانی

شماره	حرف (مفرد)	نام حرف	علامهء فونیمی	حرف احتیاطی	مثالها در کلمات: آغازین		میانین		انجامین	
۱۰	ج		ǰ	احتیاطی						
۱۱	چ	چی	č		چام	c̄̌am	منچی	manči	شوچ	šuč
۱۲	ڇ	ڇی	č̣		ڇیك	čịk	انگڇك	aŋƶčak	کژوڇ	kažwƶč̣
۱۳	ڂ	ڂی	c		ڂاو	cāw	مڂی	maci	گڂ	gac
۱۴	ځ	ځی	z	احتیاطی	ځای	zai	پوهنځی	puhanzay	وریځ	wrez
۱۵	ح	حی	h	احتیاطی	حلال	halāl	تحریم	tahrim	تصحیح	Tashih
۱۶	خ	خی	x	احتیاطی	خیر	xayr	تخار	taxār	مریخ	marix
۱۷	د	دال	d		دوت	dut	بدیسهء	badisƶ		
۱۸	ډ	دال	ḍ		ډاټ	ḍāt̄	بډه	baḍa		
۱۹	ذ	ذال	z, z̄	احتیاطی	ذکر	z̄ckr	تذکره	taz̄kira	مأخذ	maxaz̄

جدول الفبای زبان نورستانی

شماره	حرف (مفرد)	نام حرف	علامهء فونیمی	حرف احتیاطی	مثالها در کلمات: آغازین		میانین		انجامین	
۲۰	ر	ری	r		را	rā	بری	bari	پیتر	pitr
۲۱	ڑ - ڑ̃	ڑی - ڑ̃ی	ř		ڑدار	řadār	بڑا	břā	مه کڑ	makař
۲۲	ز	زی	z		زیم	zim	ازا	azā		
۲۳	ژ	ژی	ž		ژي	ži	مژستهء	mažɛsta		
۲۴	ږ	ږی	ẓ̌		ږاو	ẓ̌aw	پهٔ ږو	pažu		
۲۵	ړ	ړی	ṛ	احتیاطی	ړوند	ṛund	ارم	aṛám	پړ	páṛ
۲۶	س	سین	s		سوت	sut	اروسي	arusi	ماس	mās
۲۷	ش	شین	š		شوت	šut	مشاستهء	masastə	دش	dɛs
۲۸	ښ	ښین	ṣ̌		ښاښ	ṣ̌āṣ̌	کښهء	kṣ̌a	ښمښ	ṣ̌amɛṣ̌
۲۹	ص	صوات	s , s̱	احتیاطی	صاحب	sāheb	مصر	misr	تخصیص	taxsis

جدول الفبای زبان نورستانی

شماره	حرف (مفرد)	نام حرف	علامهٔ فونیمی	حرف احتیاطی	مثالها در کلمات: آغازین	مثالها در کلمات: میانین	مثالها در کلمات: انجامین
۳۰	ض	ضوات	z , z̲	احتیاطی	ضمیر zamir	رمضان ramazān	فرض farz
۳۱	ط	طوی	t , t̲	احتیاطی	طهارت tahārat	فلسطین falastin	ضابط zābet
۳۲	ظ	ظوی	z , z̲	احتیاطی	ظالم zalim	صدراعظم sadraşzam	وعظ waçz
۳۳	ع	عین	ç	احتیاطی	عرب çarab	معارف maçaref	ربع rubç
۳۴	غ	غین	ɣ	احتیاطی	غلام ɣulām	بغداد baɣdād	مبلغ mablaɣ
۳۵	ف	فی	f	احتیاطی	فرانسه farānsa	کفر kufr	موقف mawqif
۳۶	ق	قاف	q	احتیاطی	قسم qasam	مقر muqar	تفریق tafriq
۳۷	ك	کاف	k		کلیڑ kalāř	سکه ska	دیك dik
۳۸	گ	گاف	g		گول gul	اگال agāl	
۳۹	نگ	نگی	ŋ			انگا aŋā	مڑانگ marŋ

جدول الفبای زبان نورستانی

شماره	حرف (مفرد)	نام حرف	علامهء فونیمی	حرف احتیاطی	مثالها در کلمات: آغازین		میانین		انجامین	
٤٠	ل	لام	l		لوی	luy	پلال	palal	ابل	abɛ l
٤١	لهـ	لهی	λ	احتیاطی						
٤٢	م	میم	m		مول	mul	سما	samā	گوام	gr̆ām
٤٣	ن	نون	n		نڒ	nař	کنه	kana	تین	tin
٤٤	ڼ	نوڼ	ṇ				چنا	čaṇā	کاڼ	kāṇ
٤٥	ں	نون غنه	~						بان	bã̆
٤٦	و	واو	w		واو	wāw	کوره‌ء	kawr̦a	پساو	psāw
			u		اوښه	uša̦	کوري	kuri	کڒو	kařu
٤٧	هـ	هی	h	احتیاطی	هرات	herat	صیهونیزم	sayhunizm		
٤٨	ه	هی گردك	a						سته	sta

جدول الفبای زبان نورستانی

شماره	حرف (مفرد)	نام حرف	علامهء فونیمی	حرف احتیاطی	مثالها در کلمات: آغازین	میانین	انجامین
٤٩	ه	زبرك	a				تره‍ tara
			ɛ				سته‍ stɛ
٥٠	ء	همزه	?	احتیاطی		هیأت hayʔt	
٥١	ى	یای ملین	y		یوغ yuc	ایو ayu	کوی kuy
			ay				چونی čuṇay
٥٢	ي	یای معروف	i			نیژ nir̆	نیچي nači
٥٣	ې	یای مجهول	e			چښت Cešt	ایې aye
٥٤	/	علامه خج					

Alphabets of Nuristani

Language

Efforts by Samiullah TAZA

September 1995